



<http://www.arianafghanistan.com>



برلین - ۲۴ جون ۲۰۱۸

خلیل الله معروفی

یادداشت:

مقاله ای، که اینک با تجدید نظر و اندک اضافات در اختیار خوانندگان عزیز "آریانا افغانستان آنلاین" قرار گرفته است، اصلاً به تاریخ چارم نومبر ۲۰۰۹ از خامه تراویده و در صفحه روز بعد پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" منتشر شده است.

افغان و "گان"

The Ghan

ریل مشهور و افسانه‌مانند استراليا، که از شمال تا جنوب این کشور پهناور را می پیماید و به نام "گان" یاد میشود، شجره ای دارد تاریخی، که برای ما افغان ها سخت دلچسپ است. این است، که چیزی در زمینه تقدیم میکنم: حدوداً دوصد سال پیش، که برتانیه به اصطلاح "کبیر" بر ذروه قدرت استعماری خود قرار داشت و نیم جهان را از آن خود ساخته بود، قاره استراليا را از تصرف مردمان بومی آنجا، که "ابارجنی ها" Aborigines یاد میشوند، بیرون کشیده و زیر سیطره خود درآورد. امروز مردمان بومی آنجا یک اقلیت "خوار و زار" است و سخت دستنگر بی پای و سر و به اصطلاح زیبای عوام کابلی، "پیش پای خور"؛

"پیش پای خور" تازه واردان اروپائی و کجائی و کجائی و کجائی.

در مورد ابارجنی های اصیل گفته اند، که هنوز در "عصر حجر" بسر میبرند و بدان سخت پایبند هم هستند؛ در حدی، که آلات فلزی و تیر و کمان و ... را نمیشناسند و به انکشاف خط هم نرسیده اند.

چون در آن زمان نیم قاره "هند" نیز زیر سلطه برتانیه بود و بریتانیائیها بالوسيله با افغانها در تماس مستقیم قرار گرفته بودند، تعدادی از شتروانان افغان را با کاروانهای اشتر شان استخدام کرده و ذریعه کشتی به استراليا بردند، که از ایشان در حمل و نقل اموال در مناطق صحرائی و در فواصل بسیار طولانی کار گرفته میشد. در آن وقت، که کس موتر و اتوموبیل و ریل را در آن قاره نمی شناخت، اشتر یا "کشتی دشتی" بهترین وسیله برای ترانسپورت امتعه در مناطق بی آب و علف صحرائی شمرده میشد، که ضمن کاروان های بزرگ، اموال را در فواصل بسیار بزرگ بایر انتقال میدادند.

یقیناً کاروانهای ابریشم، در آسیا سرمشق خوبی در زمینه بوده و "کاروانهای شتر" در واقع وظیفه "خط آهن" امروزی را انجام میدادند و "ریل" در واقع یک "کاپی مدرن" و "مینوت آهین" همان "کاروانها" ست. اگر امتثال را تکمیل کنم، میتوانم گفت، که

همان رولی را، که "کاروانسرای‌ها" برای اُتراق کاروان‌ها داشتند، عین رول را "ایستگاه‌های ریل" برای خط آهن دارند. حدوداً هشتاد(و اینک نود) سال پیش، وقتی خط آهنی از شمال به جنوب کشیده و ریل‌های بزرگ به کار انداخته شدند، نام یک ریل تاریخی را به پاس خدمات همان "افغانان شتریان" آن زمان، "گان" The Ghan گذاشتند، که Ghan لبّ و لباب و مخفّف The Afghanistan Express است. سمبول این ریل "شتر و شتروان"؛ یعنی "اشترسوار" است؛ همان قسمی، که خود مقوله و کلمه مقدس "افغان" در ذات خود، به معنای "اسب سوار" میباشد!!!

Die Bezeichnung "The Ghan" stammt von *The Afghanistan Express*, eine [Reminiszenz](#) an die "afghanischen" Betreiber der Kamelkarawanen, die vor der aufkommenden Motorisierung den Gütertransport im [Innern Australiens](#) sicherstellten. (Google)

افغانهای شتروان (اشتریان) بعد در آن دیار متوطن گشته و جزء قدیمترین مهاجران و در واقع جزء لایتجزای باشندگان جوان آن قاره به حساب آمدند. احفاد ایشان شاید امروز ندانند، که اجداد و نیاکان ایشان، از سرزمینی کوهسار بدانجا آمده و همانجا ماندگار گردیدند. پسانها، که با آمدن "خط آهن"، "اشترها" به اصطلاح دفتردارى ما "اضافه بست" گردیدند، همه را در طبیعت ایلا کرده و آزاد گذاشتند. اشتران هم به مانند همه زنده جانان و حیوانات دیگر به تکثر و تولید مثل و نسل پرداخته و در طبیعت آزاد در حدى نشو و نمو کردند، که امروز بزرگترین تعداد اشتران وحشى جهان، در همین بر اعظم بسر میبرند؛ اشترانی، که همه یادگار اسلاف همان اشتران "باشهامت" افغانی میباشند. برای آشنائی بهتر، خط‌السير این ریل یادگاری را در نقشه نشان داده و شهرهای بزرگی را، که در همین مسیر قرار دارند، نشانی (۱) میکنم: طول این مسیر خط آهن، که از شهر "داروین" در شمال شروع شده و بعد از گذشتن از چارده شهر بزرگ، به شهر "ایدلید" در جنوب می انجامد، به ۲۹۷۹ km میرسد؛ یعنی حدوداً سه هزار کیلومتر و تقریباً سه برابر طول افغانستان عزیز امروزه.



خط زرد : مسیر قدیم خط سرخ : مسیر جدید

خط السیر :
شروع : شهر "داروین" Darwin
ختم : شهر "ایڈلید" Adelaide
طول مسیر : ۲۹۷۹ کیلومتر

[Darwin](#)
[Katherine](#)
[Tennant Creek](#)
[Alice Springs](#)
Kulgera
[Northern Territory / Südaustralien](#)
[Chandler](#)
[Marla](#)
[Coober Pedy](#) (Manguri)
[Tarcoola](#)
Kingoonya
[Pimba](#)
Abzw [Indian Pacific](#) Perth
[Port Augusta](#)
[Port Pirie](#)
[Adelaide](#), [Bahnhof Parklands Terminal](#)



سمبول "غان"





The Ghan in Alice Springs

"گان" در "الس سپرنگز"



توضیحات:

۱- کلمه "نشانی" آن است، که در زبان ادبی با لغت "نشانه" و به تعبیر عربی با "علامت" یا "علامت مشخصه" و یا "علامه" فارقه" افاده میگردد. در دری افغانستان این کلمه را تنها و تنها در همین معنی استعمال میکنند. چنان، که گویند:

«تا نشانیشه نگوئی نمیتش»

(تا نشانیش را نگوئی نمیدهمش).

در فارسی ایران کلمه "نشانی" را در معنای "آدرس" به کار می بندند و همین مفهوم در بین ایرانیان هم عموماً تداول یافته است. بعض افغانان "طوطی خوی" که همه چیز را "طوطی وار" و به مانند "طوطای بی عقل" از فارسی ایران کاپی می فرمایند، متأسفانه در زبان تحریر خود نیز، بعضاً مدلول "ایرانی" این لغت را ازین کلمه میگیرند. این وطنداران ما، که از داشتن افتخارات خود ننگ دارند، مثلی، که همان مثل مشهور و سخت زیبا و پر حکمت کابلی را فراموش کرده اند، که:

«به کهنه خود بساز، که نو دیگران گران است!!!»

مصراع معروف حافظ شیرازی، که حُکِم مَثَل را به خود گرفته است، عین موضوع را حدوداً هفت صد سال پیش، به خوبی شگافته است:

آنچه خود داشت، ز بیگانه تمنا میکرد!!!

درین زمینه ان شاء الله به زودی سلسله گفتاری را سر دست خواهم گرفت، که موضوع را از بیخ و ریشه حلّاجی کرده و گوشهای این وطنداران عزیز ولی "از ره رفته" را باز کند!!!

۲ - ارقام و تصاویر مأخوذ از "گوگل"

درس عبرت:

این نوشته به ما دو درس عبرت میدهد، یکی "درس تقدیر" و دیگری "درس احتراز از ناسپاسی".

- "درس تقدیر" یک مُلک و ملت زنده جوان و قدردان به نام "آستریلیا"، که با افتخار نام "افغان" را بر یک یادگار تاریخی خود گذاشته است.

- و "درس احتراز از ناسپاسی" بعض افغانانِ نمک حرام، که از نام "افغان" و "افغانستان" نه تنها بد میبرند، که از آن عار دارند و حتی میخواهند نام این کشور سربلند و باوقار، به نامهای ناممثلی چون "خراسان" و یا "آریانا" تعویض گردد. اینان هیچ درک کرده نمیتوانند، که مردم این سرزمین بلادیده و ستمکشیده، تنها و تنها و فقط و فقط با نامهای پرافتخار "افغان" و "افغانستان" هویت مستقل از همسایگان پیدا میکنند؛ زیرا:

زیرا در نامهای "خراسان" و "آریانا" همسایگان ما هم اشتراک تاریخی دارند!!!

(خلیل الله معروفی؛ برلین - ۲۴ جون ۲۰۱۸)